

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

عنوان: بررسی حرف ربط در زبان عربی و فارسی

نویسنده: فاطمه عبادی

دانشجوی ارشد ادبیات عرب گرایش آموزش زبان عربی دانشگاه شیراز

Fatemeh.ebadi022@gmail.com

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چکیده:

حرف ربط، در کنار حرف اضافه و حرف نشانه، یکی از انواع حرف در زبان فارسی هست. حرف ربط بانام پیوند و پیوند واژه هم شناخته شده است و کلمه ای است که گاهی دویاچند کلمه، عبارت یا چند جمله را به هم پیوند میزدوان هارا هم نقش و(هم پایه) میکند. حروف خودشان معنای مستقلی ندارند بلکه وظیفه آن ها نشان دادن اجزای دیگر است و کار آنها پیوستن جمله ها و کلمات به یکدیگر است. هدف ما بررسی حروف ربط در زبان فارسی و عربی تسهیل یادگیری برای زبان آموزان است و روش ما توصیفی است که بین حروف ربط در دوزبان اشتراکاتی وجود دارد.

کلمات کلیدی: حروف ربط، مقایسه، زبان عربی، زبان فارسی

مقدمه:

در زبان شناسی دستور زبان مجموعه ای از قانون های ساختمانی در زبان است که ساخت جمله ها عبارت ها، و کلمه هادرهزبانی تعیین می کند. این اصطلاح همچنین به مطالعه این قانون ها نیز اطلاق می شود. که در این زمینه شامل علم نحو، واج شناسی است که اغلب با آواشناسی، معنا شناسی و عملگرایی کامل می شود. دستور زبان، مجموعه قواعدی است که درباره ی ساختمان آوایی و صرفا ونحوی زبان بحث می کند واز آن می توان در فراگرفتن زبان بهره مند شد.

دستور تاریخی: دستور زبان که قواعد صرف ونحوی زبان را در دوران گذشته بررسی میکند.

دستور تطبیقی: دستوری که دوزبان هم ریشه راباهم مقایسه می کند بنابراین دستور تطبیقی بیشتر برای زبان های قدیمی نوشته می شود.

دستور توصیفی: دستوری که ساختمان زبان را در زمان معین مطالعه کند، دستور هم زبانی یا توصیفی نامیده می شود.

دستور مقابله ای: دستور زبانی است که دستور دوزبان زنده راباهم مقایسه می کند، خواه این دوزبان هم ریشه باشند و خواه نباشند.

دستور ساختاری: دستوری که بر اساس نظریات فردینادوسوسور، زبان شناس اهل ژنو نوشته شده باشد. سوسور در نظریات خود می گوید تا نشان دهد که زبان مجموعه ای از صداها وواژه هانامیدن این شبکه زبانی به کار می رود. این نظریه در توصیف دستور زبان ونیز در توصیف دستگاه صوتی زبان از توسل جستن به معنا خودداری می کند و در واقع دستوری عرضه می کند که صرفا جنبه ی صوری دارد واز دانش زبانی ومعنا الهام نمیگیرد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

روش:

هدف بررسی حروف ربط در زبان فارسی و عربی و تسهیل یادگیری است و روش ما توصیفی تحلیلی است که به این نتیجه رسیدیم که بین حروف ربط در دوزبان اشتراک وجود دارد.

اهمیت زبان:

دستور زبان عبارت از مجموعه قواعد مربوط به کاربرد عناصر و اجرای تشکیل دهنده گفتار، یعنی قواعد مربوط به ساخت کلمه، گروه واژه، جمله. یکی از اهداف و بخش های مهم آموزش زبان شناختن و شناساندن دستگاه زبان و ادراک توانایی ها و قابلیت های نظام صرفی و نحوی آن است. در یادگیری زبان های خارجی، لازم است در مرحله یا مراحل خاصی از دوران زبان آموزی با ساخت های دستوری زبان آشنا شویم. هم چنین یکی از اهداف آموزش زبان دوم را باید یادگیری دقیق، معنی دار و کاربردی دستور زبان تعریف کرد. واضح است هیچ کسی تنها با داده هایی از واژگان و مجموعه ای از قواعد دستوری یک زبان را یاد نمیگیرد. زبان چیزی نیست که بشود تمامی آن را به صورت یک محصول یا شی جامد در کتاب جای داد بانان صادقیان (۱۳۸۴)

بانظری اجمالی به تاریخچه زبان آموزی درمی یابیم که زبان شناسانی که در زمینه آموزش زبان دوم و خارجی اهل نظر هستند هیچ گاه ضرورت شناخت دستور و ساختارهای آن برای زبان آموزان رد نکرده اند. دستور ستون فقرات زبان است و یکی از مهمترین ترین خصوصیات زبان وجود دستور است. لارنس (۱۳۷۹)

استفاده تنها از روش های نظیر دستور - ترجمه و روش شنیداری و گفتاری و... در آموزش زبان دوم که بیشتر بر حفظ و تکرار مفاهیم و ساختارهای دستوری تاکید داشتند و عدم موفقیت این روش ها در طول تاریخ آموزش زبان می تواند یکی از علل بدبینی نسبت به آموزش دستور و ضروری ندانستن آن در آموزش زبان باشد.

اهداف:

اما یکی از اهداف آموزش زبان خارجی این باشد که زبان آموزان دستورا به طور دقیق، معنی دار، و کاربردی یاد بگیرند. این هدف میتواند دلیل قانع کننده ای برای آموزش دستور باشد. به این ترتیب دستور زبان به عنوان یک نظام پویا و منطقی مطرح می شود که متشکل از سه بعد صورت معنی و کاربرد است.

یک دلیل دیگر ضرورت آموزش زبان می تواند این باشد که مثلا یک سخنگوی بومی زبان روسی بر اساس استعداد زبانی و قرار گرفتن مداوم در محیط زبانی قادر به تشخیص جملات درست و نادرست زبان خود به لحاظ دستوری میباشد. اما اگر همین زبان آموز بخواهد به جملات درست و مناسب و خوش ساخت یک زبان دیگر به عنوان زبان خارجی تسلط پیدا کند و بتواند در موقعیت های مختلف ساختارهای مناسب رابه کاربرد، لازم است با ساختارهای والگوهای متداول دستوری که به او عرضه میشود، آشنا گردد تا ساختارهای زبانی مناسب در موقعیت های ارتباطی از خود بروز دهد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیشینه :

تنازع در علم نحو اصطلاحاً به معنای درگیری دو عامل بر سر یک معمول است. این مبحث اگرچه در زبان عربی مورد توجه خاص دستورنویسان قرار گرفته اما در دستور زبان فارسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که تنازع در زبان فارسی از گستردگی بیشتری نسبت به زبان عربی برخوردار است. چرا که تنازع بین مسند الیه و سایر ارکان جمله در زبان فارسی جایز و در زبان عربی ممکن نیست. این مقاله میکوشد در ابتدا به بیان تنازع در زبان فارسی بپردازد و سپس انواع آن را هر دو زبان عربی و فارسی برشمارد این مقاله با نگاهی جامع به ارتباط بین دو مبحث حذف و تنازع و برشمردن تفاوتها بر این باور است که هر تنازعی زیر مجموعه ای از حذف است به گونه ای که هر تنازعی را میتوان حذف دانست اما هر حذفی را نمی توان تنازع دانست گرچه مهم ترین تفاوت بین آن دو حذف معمول در صورت وجود قرینه است. زهره قربانی مادوانی (۱۳۹۶)

چند معنایی از موضوعات مهم و سنتی مطالعات معناشناسی و روابط واژگانی است. واژه چندمعنا واژه یا تکوازی است که دارای چند معنای مرتبط است. مطالعه چند معنایی حروف ربط در زبان فارسی میتواند گامی در جهت شناخت پیچیدگی های آن و کمک در جهت تبیین صحیح ساخت زبان فارسی باشد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی چند معنایی دو حرف ربط همپایه «اما» و «ولی» در زبان فارسی بر اساس انگاره چند معنایی اصولمند است. ماهیت روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. پیکره انتخاب شده از مصاحبه با سخنوران فارس زبان استفاده از روزنامه های کثیرالانتشار و کتب دستور زبان فارسی به دست آمده و با استفاده از رویکرد شناختی تحلیل شده است. نگارندگان برای معانی متمایز این دو حرف ربط به دلیل محدودیت حجم مقاله تنها به ذکر نمونه هایی از هر مفهوم بسنده و هر یک را جداگانه در یک شبکه معنایی ترسیم کرده اند. یافته های پژوهش نشان میدهد که مفهوم اولیه «اما» «ولی» است و در شبکه معنایی آن سیزده معنای متمایز و دو خوشه معنایی وجود دارد همچنین مفهوم اولیه «ولی» نیز «اما» است و در شبکه معنایی آن هشت معنای مجزا و دو خوشه معنایی وجود دارد.

مسعود دهقان، زهرا پروینی راد (۱۳۹۸)

کاربرد حروف ربط ساده:

حرف ربط: دو کلمه یا دو جمله را بهم ربط می دهد و آن هارا هم نقش و هم پایه یکدیگر می سازد و یا جمله ای را به جمله دیگر ربط می دهد و یکی را وابسته دیگری قرار می دهد. دیروز مجید را دیدم و سفارش بهروز را به او رساندم در این جمله واو حرف ربط است و دو جمله مستقل را هم پایه ساخته وان هارا بهم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مربوط ساخته است. تا نکوشی موفق نمیشی. در اینجا تاجمله نکوشی را به به جمله موفق نمی شوی وابسته کرده است.

معنی حروف ربط:

حروف خودشان معنای مستقلی ندارند بلکه وظیفه آن ها نشان دادن اجزای دیگر است و کار آن ها پیوستن جمله ها کلمه ها به یکدیگر است. حرف ربط (پیوند): مانند، که، تا، ولی، چون، اما، نیز، اگر، اگرچه، بلکه، پس... وقتی واو بین دو یا چند جمله می آید و بین آن ها ارتباط برقرار می کند به آن حرف ربط همپایگی می گویند.

مانند: می گویند قدر وقت را ببینید و دقایق گرانبهارا بیهوده از دست مدهید.

اما گاهی (واو) بین دو یا چند کلمه می آید که داری نقش هستند قرار می گیرند. در این صورت به آن واو عطف می گویند. مانند بهار فصل جوانی و شادابی است. ایمان و پاکدامنی تان را حفظ کنید.

حرف ربط یا پیوند واژه واژه ای است که دو عبارت را به یکدیگر پیوند دهد و از جهت ساختار دو گونه است مفرد و مرکب: حرف ربط مرکب مجموعه ای از دو یا چند واژه هست که معمولاً یکی از آن ها حرف ربط یا حرف اضافه ساده است و اغلب علاوه بر اینکه کار حرف ربط را انجام می دهند.

چون که، چندان که، زیرا که، همین که، همان که، بلکه، چنانچه

انواع حروف ربط:

این حروف ربط بر سه نوع اند: برای ربط دو جمله ای که در آن، مفهوم جمله پایه دور از انتظار و تاحدی عجیب باشد، از پیوند واژه هایی مانند اگرچه، هرچند، (علی رغم اینکه) استفاده میشود...

۱- حرف ربط مرکب:

مجموعه ای از دو یا چند کلمه است که یکی از آن ها حرف ربط و یا حرف اضافه است و اغلب علاوه بر اینکه کار حرف ربط ساده را انجام می دهد از قید جانمایی می کند و به عبارت دیگر بسیاری از حروف مرکب هم کار حرف ربط ساده را میکنند و هم کار قید را انجام می دهند
همین که خورشید غروب کرد برگشتیم...

در این مثال همین که علاوه بر اینکه جمله (برگشتیم) را به جمله (خورشید غروب کرد) ربط داده، مانند قید، همزمانی وقوع دو جمله را نیز بیان می کند. گاهی به جای حرف ربط مرکب می توان یک حرف ربط ساده و یک قید گذاشت. حرف ربط مرکب زیاد هستند: اگر چنانچه، اگر چنانکه، اگرچه، از آنجا که، با اینکه، با وجود اینکه، با این حال، همین که، بنابراین، بلکه، ...

۲- حرف ربط مزدوج:

که دارای مفهوم تساوی هستند، به شرح ذیل هستند: خواه، چه، یا، نه، هم، خواه خوشتر آید، خواه بدت من میروم خب چه بخواهی چه نخواهی، من ماندنی شدم.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هرگاه بخواهیم دو جمله را که از لحاظ معنایی مخالف و متضاد یکدیگرند در قالب یک جمله باهم ادغام کنیم از پیوند واژه های تضاد استفاده میکنیم به عنوان مثال این یک تضاد است شما گرسنه باشی و غذا بخوری. وقتی میخواهیم بگوییم علی رغم اینکه گرسنه هستیم ولی نمی خواهم غذا بخورم می بایستی از این حروف استفاده کنیم.

انواع حروف ربط از دید کارکرد:

حرف ربط واژه هایی هستند که دو واژه یا دو جمله را بهم پیوند می دهند و آن ها را هم پایه یکدیگر می سازند یا جمله ای را به جمله دیگر ربط میدهند و یکی را وابسته دیگری قرار می دهند.

الف) حرف ربط هم پایه ساز: اما، و، یا، لیکن، ولی...

این نوع حرف ربط در زبان فارسی در صورت دارد که دارای دو ریشه تاریخی مختلف هستند. یکی از آن ها و است که از زبان عربی گرفته شده است و دیگری و است که یک واژه محسوب میشود و سیر تطور آن از فارسی باستان تا کنون به این شکل است $uta > ad > u < O$

نحوه تشخیص در پیوند هم پایه ساز اگر حرف پیوند میان دو جمله قرار بگیرد آن ها را در یک ویژه گی هم پایه می کند. مهم ترین حرف پیوند در پیوندهای هم پایه ساز حرف پیوند (و) است.

برای مثال: رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقدا خط بکش.

ب) حرف ربط وابسته ساز: که بر سر جمله پیرو می آید در جملات مرکب: تا نکوشی، موفق نمی شوی.

برای مثال در جمله که از نظر معنایی به یکدیگر وابسته هستند داریم، به طوری که یکی از جمله ها بدون دیگری ناقص است. به این نوع جملات مرکب گفته می شود. حرفی که این دو جمله را به یکدیگر وابسته می کند پیوند وابسته ساز نام دارد.

کارکرد های واو در زبان عربی:

حروف عطف بر سه قسم است:

حروفی که معطوف و معطوف علیه را تحت پوشش یک حکم قرار میدهد که عبارتند «واو - فاء - ثم - حتی».

۲- حروفی که یا معطوف و یا معطوف علیه را به طور معین منحصر به حکم میکند که عبارتند از: «لکن - لآ - بل».

حروفی که یا معطوف و یا معطوف علیه را به طور مبهم منحصر به حکم می سازد که عبارتند از «أم - أو».

سؤال دوم: معنای «واو» چیست؟

«واو» به طور مطلق برای جمع میان معطوف و معطوف علیه در حکم است مانند: «جاء زيد و عمرو». در این نمونه زيد و عمر و هر دو تحت یک حکم یعنی آمدن جمع شده اند، حال ممکن است «عمرو» پس از زيد یا پیش از وی یا همراه وی آمده باشد، و این امر - یعنی: زمان آمدن عمرو - تنها از روی قرینه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

موجود در کلام روشن می‌گردد، مانند: «جاءَ زید و عمرو قبله: زید آمد و عمرو پیش از وی آمد» و «جاءَ زید و عمرو معهُ: زید آمد و عمرو همراه او آمد». در این نمونه‌ها یکبار معطوف لاحق به معطوف علیه سابق و یکبار معطوف سابق به معطوف علیه لاحق و یکبار معطوف همزمان با معطوف علیه به معطوف علیه با حرف واو معطوف شده است.

اصل در معنای «او» این است که بین معطوف و معطوف علیه تساوی در حکم برقرار سازد، مانند: «جالس العلماء أو الرّماد: با عالمان و یا پارسایان مجالست «کن» سر میلاً أو فرسخاً یک میل و یا یک فرسخ برواین معنا دارای دو شرط است.

۱ - «او» پس از فعل طلب واقع شود.

۲ - پیش از چیزی قرار گیرد که جمع آن با ماقبل معطوف علیه جایز و ممکن باشد، مانند مثال پیشین «جالس العلماء أو الزهاد». لفظ «أو» در این نمونه بر «اباحه» دلالت دارد و دارای دو شرط بالا نیز می‌باشد؛ زیرا «اولاً» بیش از «أو» فعل طلبی قرار گرفته و «ثانیاً» پس از «أو» چیزی «اسمی» آورده شده که جمع آن با ماقبل «معطوف علیه صحیح و جایز است؛ چه آن که گوینده به شنونده میگوید یا با عالمان و یا با زاهدان مجالست کن در این مورد هرگاه مخاطب با هر دو گروه نیز مجالست کند، صحیح و جایز است. [تبصره: برخی دیگر از معانی «او» عبارتند از:

۱- تقسیم، مانند: «الكلمة اسمٌ أو فعلٌ أو حرفٌ: کلمه بر سه . سه قسم است: اسم فعل حرف». یعنی معطوف و معطوف علیه از اقسام آن واژه ای به شمار می آیند که قبل از این دو آمده است، مانند این سخن امیر مؤمنان علی:

وَإِنَّهُ لَأَبَدٌ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ: برای مردم امیری لازم است؛ خواه نکوکردار و یابدکردار باشد»
۲- اضراب: «یعنی سلب حکم از ماقبل و اثبات آن برای ما بعد مانند: «أرسلناه إلى مئة ألفٍ أو يزيدون» یعنی «أرسلناه إلى مئة ألف بل يزيدون او را به سوی صد هزار نفر بلکه بیشتر فرستادیم».

و همچنین «أو» برای منصوب کردن فعل مضارع آورده می‌شود، همان گونه که پیش از این گفتیم مانند: لأستسهلن الصعب أو أدرك المنى ...» و «لا أستريح أو أخرج العقد من قلبك»

حرف قسم واو:

واو قسم به اسم ظاهر اختصاص دارد و متعلق آن محذوف است مانند والله (به خدا سوگند) و الانجيل (به انجيل سئگند)

حرف واو استیناف:

گاهی واو در ابتدای پاگراف‌ها برای نشان دادن آغاز مجدد سخن به کار می‌رود که در این حالت به آن واو استیناف گویند در مکتوبات عربی، بسیاری از پاگراف‌ها با این حرف شروع می‌شود.

برای مثال:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

این سخن از مفسر معروف ابن عباس نقل شده و بعضی از مفسران دیگر آن را تأیید کرده و ضمناً خواسته است از همین کلمه «واو» تأییدی برای این که عدد واقعی اصحاب کهف عدد هفت بوده است استفاده کند؛ زیرا قرآن پس از بیان گفته های بی اساس، دیگران عدد حقیقی آنها را در پایان بیان کرده است.

بعضی دیگر از مفسران مانند «فخر رازی» و «قرطبی» تفسیر دیگری برای این «واو» نقل کرده اند، که خلاصه اش چنین است عدد هفت نزد عرب به عنوان یک عدد کامل شمرده میشود به همین جهت تا هفت را بدون و او ذکر میکنند اما همین که از این عدد گذشتند «واو» که دلیل آغاز کلام و استیناف است می، آورند لذا در اصطلاح ادباء عرب به «واو ثمانیه» معروف شده است.

کارکرد های واو در زبان فارسی:

حرف عطف:

بی شک در فارسی هم مانند عربی عطف اصلی ترین کارکرد واو به شمار می آید.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

این کارکرد و او چنان مشهور و روشن است که ما را از ارائه مثالهای بیشتر در این باب بی نیاز میکند.

حرف قسم:

واو قسم هم به شکلی هر چند نادر در اشعار سعدی به کار گرفته شده به گونه ای که بیشتر با هم نشین خود لفظ جلاله «الله» آمده است

کسی آزار درویشان تواند جست لا والله که گر خود ز هر پیش آرد بود حلوی درویشان

اجتماعی جندقی (۱۳۸۵)

بررسی تطبیقی حرف ربط واو در زبان فارسی و عربی:

در این بخش نخست نشان داده خواهد شد که حرف واو در زبان فارسی و عربی چه کارکردها و شکلهایی داشته است و در ادامه به نقاط مشترک آنها اشاره خواهد شد. اشتراک در زبان عربی و فارسی در خط این

شبهه را به ذهن متبادر میسازد که احتمالاً حرف «واو» نیز مانند صدها واژه دیگری که از عربی وارد فارسی شده اند تیاری عربی دارد و چه بسا همین اشتراک ریشه ای سببی شد تا حرف «واو» در دو زبان عربی و فارسی تا حدود زیادی کارکردی نظیر هم پیدا کند. زمانی که اعراب به ایران آمدند و دولتی بزرگ تشکیل دادند خط آنها عربی کوفی بود و خط ایرانی ها پهلوی اما براساس مطالعات خط شناسی و بررسی کتیبه های کشف شده منشأ هر دوی این خطوط خط آرامی بود، در گذر سالها و با آغاز قرن ششم میلادی،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian Culture, Language and Literature
خط عربی تکامل یافته و به سه هادیت خصوصاً سه جا هلی که در متن آن به قرن پنجم میلادی باز میگردد شکل نهایی و کامل به خود گرفته است. ۱۱۷ آثاری که از فارسی دری که منسوب به درگاه به معنای

دربار است و به عبارتی میتوان آن را زبان درباری نامید. برجا مانده به خط عربی است. و احتمالاً ایرانیانی که به آیین اسلام در آمدند. طولی نکشید که بعد از فتح اعراب یعنی در قرن هشتم میلادی شروع کردند زبان خود را به خط عربی بنویسند و از اواخر قرن سوم نوشتن فارسی به خط عربی ظاهراً امری همگانی شده بود انک از این رو یکی از نتایج پیشروی تازیان و نفوذ اسلام در ایران رواج تدریجی خط عربی بود. این خط نسبت به خط پیچیده فارسی میانه (پهلوی) این مزیت را داشت که فوق العاده ساده بود؛ چنان که پذیرفتن آن موجب پیشرفت شد. در واقع زبان فارسی از زبانی که به یک خط قدیمی و دشوار نوشته میشد به زبانی تحول یافت که به خط عربی نوشته میشد و این خود گام بزرگی در نزدیکی میان عربی و فارسی بود این خط که در بیشتر بخشهای تحت حکومت مسلمانان در ایران رواج داده شده بود، از ابتدای تولد زبان فارسی مورد استفاده شاعران و نویسندگان ایرانی نیز قرار گرفت به کارگیری خط عربی توسط ایرانیها و شباهت نام حرف واوه در زبان دو قوم با در نظر داشتن سرازیر شدن سیل واژه های عربی به فارسی خود عاملی است که شبیه عربی بودن «واو» موجود در فارسی را تقویت میکند اما مطالعات حوزه زبان شناسی نشان میدهد که این حرف در فارسی نیز ریشه دارد. این حرف در زبان فارسی دری به شکلهای او، و « است و تلفظ مو» و «و» در همه حال درست و ممکن است اسب تازی دوتک رود به شتاب و اشتر آهسته می رود شب و روزو» در زبان پهلوی «او» و در زبان فارسی باستان «اوتا» است. در تداول امروز نیز «أ» تلفظ می شود (حسن و حسین) آمدند. حسن و حسین آمدند و او عربی که مفتوح است در این کلمه تأثیر گذاشته این است که در فارسی نیز گاهی آن را مفتوح تلفظ میکنند حسن و حسین (آمدند این حرف امروز بین دو کلمه معمولاً به صورت بین دو جمله به صورت «و» و در آغاز جمله نیز مخصوصاً در شعر او تلفظ میشود در هر دو زبان عربی و فارسی عنصری اساسی است به ویژه اگر به کارکردهای مختلف آن با تأمل بیشتری بنگریم در عربی برای واو کارکردهای مختلفی را برشمرده اند که استعمال آن برای بیان قسم، عطف، استتفان به شمار می رود. ابوالفضل تقی پور (۱۳۹۵)

نتیجه گیری:

می توان گفت تحقیق حاضر نشان می دهد حرف واو در فارسی مانند حرف واو در عربی است علاوه بر معنای عطف در معانی متعددی به کار می رود. واو در زبان فارسی در کارکرد های مختلفی مانند قسم، معیت، استدراک به کار می رود. بین حروف ربط فارسی و عربی اشتراکاتی وجود دارد و این اشتراکات می تواند برای زبان آموزان یادگیری را آسان گرداند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع:

- ابولقاسم بهزادی گودی. (۱۳۹۸) بررسی جملات مرکب در دستور زبان فارسی و عربی
سهیلا مبارکی و زکیه رشیدآبادی (۱۳۹۲) بررسی تطبیقی درنگ در زبان فارسی و عربی
فریدون مظلوم گرمجانی. (۱۳۸۵) هماهنگی دستور زبان عربی و دستور زبان فارسی در فرایند برنامه ریزی
دکتر رحمانی رسولی. (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی تفضیل در دستور زبان عربی و فارسی
محمدی گلباغس فریمان. (۱۳۹۱) منادا در دستور زبان تطبیقی فارسی و عربی
لیلا جمشیدی، زینب حسینی. (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی گست رابطه اضافی در دستور زبان عربی فارسی
عباسعلی وفایی. (۱۳۹۲) دستور تطبیقی فارسی و عربی
نجفعلی میرزایی. (۱۳۹۲) فرهنگ اصطلاحات دستور زبان فارسی
بتول فراحانی. (۱۳۸۷) بررسی تطبیقی تعجب در دستور زبان فارسی و عربی
زهرا رحیمی، اکبر نوبختی. (۱۳۹۸) بررسی تطبیقی گزینه ای از دستور زبان فارسی عربی انگلیسی
فاطمه کریمی فر، محمد شریفی حسینی. (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی انواع مفعول در دستور زبان عربی
و فارسی